

دوشنبہ عزم شکر و عشاءت الی آخر  
حاملین این روزنامه در طهران  
غیر از سایر بلاد ایران حق مطالبه  
قیمت ندارند



هفدهم ژولیه ماه فرانسه است  
اعلان این روزنامه قیمت ندارد  
دائر الطباعه خاصه علیّه در طهران  
مبارکه دار الفنون

دانش و شکر و عزم شکر و عشاءت الی آخر  
دانش و شکر و عزم شکر و عشاءت الی آخر  
دانش و شکر و عزم شکر و عشاءت الی آخر

صاحب فخر و خانی دارای عقل اسنانی کاشف مضلا  
و شکافنده مشکلات نینی بلغای قرآنه و قطان فحیه  
فصحا خزاعه و عدنان جناب مستطاب لاجل مؤمن الملک  
میرزا سعیدخان وزیر ووزارجه در کت علیّه ایران  
زیادقباله العالم که در جلال قدر و عظمت شان  
شهره آفاقند و در علو منزلت و سمو مرتبت یکانه و طاق  
در تجید روزنامه دانش مطرے چند نکارش فرموده  
و در حقیقت معانی جلیله را در الفاظ فلیله جا داده  
و دست فصحا عجم و عرب را بر سینه ادب نهاده با داره  
این کرامی روزنامه فرستاده بودند قیمتا و تیرگاد را بن  
نمره درج نمود تا همگان از آن بهره مند شوند

رشیقه ان محظوظ شدم که ساطع بود اینگونه محظوظ  
در خاطر منیده حاصل شود و هیئت که بن خود میگویم که چنین  
روزنامه علیّه باید بطبع آورد تا فضلا را بکار آید و  
ادب را بلاغت افزاید بحمد الله جناب عالی در سائیه اقبالی  
مضون از روز اول علیحضرت قوشوکت شاهنشاهی پمال  
روخنداناه این توفیق را یافتید و از روز مندان را  
بامال خود رسانیدید ایوم انجمن الامان و اوعده  
و ادراك الحدائقه مائتاه بعد از تحصیل حظ او فی  
انفلاحة ان مخصوصا بفرزخان سپردم که نمهای این  
خجسته در روزنامه در لیکل بترتیب نظم نگاه دارد و ناچمد  
سازم و بنحو اندیش بر این عهد همایون بنام زباده  
ندارد ایام بکام باد

سوار قیام جناب اشرف زیر امور خاجیه  
جناب لالنا با محترم مکرم هم فلانا روزنامه دانش که فی  
برای ارباب ذوق و صلاح علم و بصیرت دفتر پیش است  
بشوق تمام از آغاز انجام خوانده بجز از سابق اینقدر نگاه

اخبار روزانه

بر حسب امر قد رقد رافدس هایون شاهنشاه خدا الله  
ملکه و سلطان امر و مقررات که در جنبه دوشه مبارکه

رسالت العالی جملة السلاطین قبل الخلیفین اول و ثانی  
و معتدلت جعفر بن علی و من مبارک الله لهما الفنون

فصل اول در افتاب که مبارک است

(۶) مس مبارک عظیم طبعی است چیت ساج افتاب  
(۷) مس ایاحرات افتاب معاین است باحرارت از حد که انش نامند با نرسج این دو حرارت بکلی معاین نیستند و  
چندان از یکدیگر تباين هم ندارند و خواص ظاهر آنها هم مشابه و هم متفاوت است نه همین از حیثیت کیمت بلکه از حیثیت  
کیفیت نیز

دار الفنون که در ادراك هاي فوني واقع است يك دستگما  
 عمارت جديد البناي عالجه نلكر افخانه در ملك عليت كه  
 ساخته شو و نيز مدرسه ديكر به مدرسه قديم اضافي كرد  
 در اين اوقات شروع به كارها انجا كرده اند سه شنبه ۲۴  
 شعبان حضرت مستطاب شرف سعادت فخر الانا بالسلطنه  
 امير كه به وزير كيت و حكمران دار الخلافه وغيره پشاه  
 اين دويني جديد آمده نقشه عمارات و موقع اين دوينه  
 و كارها را اجمع بان دار سيند كه فرموده و وقتي مغرب عازم  
 عمارت بيلاقي موسوم بكار اتمه شدند

مقرر الخافان حاجي نجم الملك متمم باشي حضور معرظ هو  
 افدس هاي يوني غلد الله ملكه كه از معلمين بزرگ مدرسه  
 دار الفنون است چنانكه قبل بر حسب امر قدردان ملوكا نه  
 بيان و بيد تغييرات ستادهاوز رفتن در اين اوقات كه كارش  
 تمام بود از راه بخيتيك باصتها بركشته توسط جناب جلال الفآ  
 وزير علوم دام اقباله نلكر انا مورد بذل توجه و تفقد  
 ملوكا نه كرديد و عنقریب بجزم تقبيل اسنان عليه بدار الخلافه  
 خواهد آمد

در ضمن اخبار نلكر كه به عرض شاهكاي بندكان اعليحضرت  
 افدس هاي يون شاهنشاهي غلد الله ملكه رسيد بود  
 كه در حواله فيروزكوه ظاهر مدعي كه بپوزه داعي معروف است  
 در ميانه طائفه از صحراي پستنا بروز كرده حكم هاي او روي  
 نفاذ يافت و عالياي امان الله خان طبيب دار افداه حافظ

مؤيلا ما مورد و روانه انجا شد كه مرض مزبور در اواسط  
 نموده مرضي را معالجه نمايد  
 چون در فضل ان استان جمعي كثير در قراه شميلز نايد  
 ميرفد از جانب ستاي الحوايب بنگران اعليحضرت افدس  
 هاي فوني و خافلا امره مقرر رفت كه طبيب محظ ذوق بان  
 صفحات فرستاده مرضي انفاقه را معالجه نمايد لهذا  
 عاليايجه ميرفد رضا خان كه از تجربين اطباي مدينه بود  
 با او دريه حيات و لوازم اينكار بطرف شميرانات ماموريت  
 حاصل نمود و اينك در قراه مذكوره مشغول ماموريت  
 خود است

در اين اوقات بجز جمعي از تربيت بانفكان مدينه و ساكنان  
 دار الفنون كه از علوم مختلفه فاعنه تحصيل يافته بودند  
 داخل خدمت و ملك شده بصفحات افدرا بچيان ماموريت  
 حاصل نياخند (سليمانفيلضان) (ميرزا ابوسف)  
 (حاجي سيدناقر) (حاجي ميرزا احمد) (حاجي خان معلم)  
 (سهند همدان) (ميرزا ابي طالب)  
 (ميرزا ابي طالب)

دار الايمان قم كه يكي از شهرهاي نزديك دار الخلافه  
 باهر است تاكون طبيب محظ ذوق از تربيت بانفكان مدينه  
 دار الفنون مثل ساير بلاد در انجا ماموريت نداشت  
 در اين اوقات عاليايجه ميرفد اعلاي كبرخان شيرازي كه يكي از  
 سداكان هنرمند صلاح فضل مدينه است بجا حافظ الصحاح  
 انجا مامور و روانه شدند

- (۱) مس چكويه ميتوان خواص حرارت اشعه شمس را بطور وضوح ثابت كرد چ بواسطه جمع كردن ان اشعه در زكوانه  
 عدسه ذقه بين كدندان طالت مخزنه نديشواز مقدار زيادي نور و حرارت
- (۲) مس عدسي ذقه بين كداست چ اين عدسي عيار نشك از قطعه شيشه كه افلايايك سطح ان محدب باشد بكنه  
 بشكله مدري با استوانه برآمده باشد و خاصيت ان را داشته باشد كه اشعه منيره و طاقه افنا بلكه سطح ان مي افندد  
 جهت يك نقطه كه انرا انشخانه كو مينه جمع كند لهذا الجسام و ابزر كتر نظر رساند
- (۳) مس ايا عدسه ذقه بين ميتواند واد قابل الاحتراق را مشعل سازد چ بله چونكه نزديك ميكند اشعه افنا ب  
 كه در اول متوازي و جلا جلا در سطح شيشه مي افندد و انرا مي كند و جمع ميكند تمام انها را در نقطه واحد

بنا بعات و رسم هر ساله که از جانب اولیای دولت  
 علیه مقرر است مدت چهل روز تا اوایل شهر شوال  
 مدکسه دارالفنون تقطیل دارد و معلمین و متعلمین  
 از تعلیم و تعلم معاف اند  
**مطلب است که تحقیق فواید علم و دانش چیست**  
 فواید تربیت و نشانی معرفت اظهر من الشمس است و هیچ  
 صاحب نظر از ادراک انوار الهیه انچه نمیتواند بپوشد  
 و قطع نظر از راهین عقای و احادیث نقلیه که متوزکنند  
 بدان ناطق است با ادله حسیه و هر شیء عواید و مهربانی  
 که گوهر گرانهای معرفت را ناچهره حکمایه و مقدار روزانه  
 از ناچهره اندازان پایه اعتبار است هر که اینجند با رفوق  
 مددگار گردد از بند عمر و عنفوان جوانی که قادر بر  
 کسب معارف و تحصیل علوم است ایام خود را مصروف  
 استفاده و استغناء میکند تا بقواید عظمه دنیوی و اخروی  
 و فیوضات کامله ظاهر و باطن دست یابد انا یا از هر قدر  
 پریشان حال باشند در مجلس و محفل سربند و مستغرق  
 و نادانان هر چند صاحب حال و فعال شوند در نظر اولیای  
 غایب از غرض و تمکین و تله الحی و المنة که در این عهد  
 خجسته و فیر از زمین فوجات ملوکانه این حدیث بگویند  
 و حسن تربیت الفخر که در بیان که ناخبر و مهر زین  
 او رنگ سپهرات وجود و سعادتش زینت بخش دهنیم  
 و گاه در پیردایش بر تر از خیر گاه مهر و بااد روز بازار

فضل و هنر هر روزی علم و دانش را در وقت دیگر است  
 نیم اقبال در هنر از وهای اوج کالدر پرواز است  
 هیچ هنر به پوشیده و هیچ هنر نرسد از مرام بیکران  
 شاهان محروم نمانده است پس هر که مت هست افاضه اذالته  
 فرخاست که او فاتح عزیز را از جمیع نظار فرید از نند  
 مصروف کسب معارف سازند تا هم طلب صلاح دنیوی باشد  
 و هم سبب رفاه اخروی و البته بی تحمل بیج معلوم راه  
 بکنج علوم نتوان برود و بدون استقامت از نجات صاحبان  
 طالیات نتوان گذشت منرا از گرفت جان برادر که کار کرد

### افیون

هیچیک از ادویه مفرده مأخوذه از نباتات قدیم الایام  
 از افیون نیست چنانکه خالینوس که تقریباً با فصل  
 قبل از هجرت حیوه داشت و باقرط که چهار صد شصت  
 قبل از میلاد مسیح متولد شده در کتب خود ذکر کرده ازان  
 میکنند بلکه همسرش شاعر معروف که مضمناً باقرط  
 سال پیش از تاریخ عیسوی زندگی میکرده گفتگو میکند  
 از شیء مخصوص نباتی که در آن ایام نیفا نلس مناسبت  
 و بعقیده یونانیان قدیم که قائل با ربایا انواع بوده اند  
 این ماده منزهه از نباتات مخصوصاً اسیروس که در  
 التوح فالاحث و ذراع است مخصوصاً خواصی و نقل  
 برغایای یونان نشان داده و ایشان را از خاص و  
 فواید آن مطلع ساختند و نزدیک به هفتاد سال پیش از آنکه منقول

پس از اینکه جمیع وقتراکمشند در وقتاً بسیار کوچک که انرا اتر خانه گویند باجماع اثر این شعله خیل زاید تر شود و ان اثر  
 نسبت مستقیم دارد بعد یا حاصل جمع اشعه  
 (۱۱) پس چرا در صورتیکه بدقت مشاهده نمایند در اطراف اتر خانه صورت دیکینه دیده میشود چون زیرا که عدیه  
 ذره بین زائل اللون نیست یعنی تمام اشعه افکار اذالی و ان مختلف هستند و قوت آنکس در مشاهده ان مختلف است  
 و نور افکار مرکب از آنها است به تساوی در نقطه واحد جمع نمیکند  
 (۱۲) پس انیک حاقه چیست **ح** انیک حاقه انیکه اذات مقربا **ر ا ب ل** (قطع زاید) یا کروی از فلز یا شیشه  
 قلع اندود یا مفضض که فاند عدی و ذره بین خاصیت انوار در که اشعه متوازینه منبر یا طار افکار که بسطح ان

از ان عصیر نباتی افیون بوده است باری طبای زهر که  
 که بعد از بقراط و جالینوس بر دیگران سبقت قدم داشتند  
 در باب افیون و موارد استعمال آن فصول مدبوته ذکر کرده اند  
 وجهی اعصابه بر آن بوده که مدبرون افیون بسیار آنرا عالج  
 معوق می مانند بلکه که هر چه قلم جرئت بیشتر ظاهر می گشته  
 که عمل طبایبتی افیون متسع است معاصرین که از اغراب  
 و کزاق کوهی بیشتر از زردارند نیز اقرار می نمایند که کوه  
 افیون و زریق و پوست که کشته و آهن وید و سفوفات و  
 جوهر نبات آنها ادویه هستند که هر طیبی از استعمال آنها  
 در امراض مختلفه ناپا راست و علاوه بر این افیون از  
 حیث تریکب شیمیائی در ای جوهر نبات عدیده مفید است  
 و همچنان از اجسام نامیه و مواد حیوانی و نباتی را مانند

افیون و پوست که کشته و از آن در جوهر نبات معده و مختلفه  
 الخاصیت نیست لهذا طبیعیون نیز در تجربه آن مسامحی می کنند  
 بیای او زده اند و مسالات عدیده نکاشته اند و قطع  
 نظر از خواص طبعی و طبیعی که تجارت افیون در ایو عصره  
 بتحدی بالا گرفته است که هیچ ذراع و تاجری از منافع کش  
 و زرع و درالح بیع و شرای آن توان چشم پوشید و در  
 این ایام افیون مانند نذبا کوچای قهوه معمول به  
 وضع و شریف شده و میتوان گفت که مورد استعمال  
 افیون در طبیعت از عشر سایر استعمالات آن است حکما  
 و اذبا و ادبای قلم و شیوخ و معتبرین جهت تبریک قول

جمنانی با تحصیل نشأت نشک و در حکما بقدر ما شراکتی  
 از آن صورت کند و مردم بیچاره و تن پروردان خود و فتنه  
 نیز تجا و ز نمایند و العیاذ بالله از ان اشخاص را از ان نشسته  
 و از تنک و غام دشت نه که می خورد و صرف کشید از ان خود  
 روزی چند مثقال از آنرا تلف کرده این تریاق اعظم و  
 فوشاد روی کر اینهارا که در کوه افرا در دست هم خود  
 سم قتل قرار داده اند و در صورت نفع و ضرر تریاک در خط  
 و معادین مشهور خاص و عام شده

بقیه در تریاک  
 بعضی  
 میزاج  
 این نام سروده است  
 بعضیها نقل میشود (تبریک)

فراشت علم بیاسپهر بر جرات  
 خدایا بخش باز یاد چشم عینا  
 که هر دو دانه فرود از انرا  
 هر آنچه دیدن حکام شرع کرد  
 رفیق دانه پیشتر قین عقاب  
 زهقا شرع الح علم از ان نهایت  
 بیان کرد از ان سبب که علم سراسر  
 که از ان حکما یکند و فضل قیام  
 سخن را هم خواهد روح فلان  
 که (این جزو را از ان در حکما حکا)  
 ۱۲۹۹

و نسوخ و در حقا حقا بر این بنیاد  
 شون و ناصر شون انکه نایب الکر  
 و همی منت و کشته اند منفع  
 هر آنچه یافت انواع علم داد  
 و در زارت علم اخینا کرد و در  
 کوزریا که کشته ناسرا که بیخ  
 اگر نمود سرت نخست علم ز بونان  
 نتیجه زخیالات و جریه و اثر  
 بر آن شد که بیارنج بهر هنرینت  
 که کلهای یک اند غیبی گفت با لغت

میانند تقریر با در نظر واحد جمع میکند  
 (۱۳) نس الثیة حازه چگونه میتواند اجناس قابل الاحتراق و انوزالند  
 از نایب اینک جمع میکند با فراداشته شمس ادر قضا این کو بکجه (بوفن) که یکی از حکمای طبیعی فراداشته است و اسطرلاب  
 اشته منعک از انبثه شمس کو یک متعده بقاصله هشتاد ذرع چوب را از انشیزد و بقاصله شانزده ذرع  
 فخر را در قیه میکند از اجتماع انبثه های کوچک شمس یک انبثه بدینا بزرگ مقهره حاصل میشود  
 (۱۴) نس الاشته شمس بدین مداخله عدسی ذره بین و انبثه حازه میتواند مواد طبیعی را مثل کشند  
 شمس بقصد کجای در فلانند که بعضی طبیعی را استخراج کنند و به هم که با اسباب مصنوعی عدله ذرایع مجتمع و مفرام شود  
 بقیه در تریاک